

آخرین وضع از دواج و طلاق باز هم ناامید کننده است

فقط ۲۰ میلیارد تومان اعتبار برای پیشگیری

مدیر کل دفتر آمار و اطلاعات جمعیتی و مهاجرت سازمان ثبت‌احوال کشور در گفت‌وگو با خبرنگار و نه‌مین جلسه شورایی انقلاب فرهنگی گزارش مفصلی درباره وضع ازدواج و مشکلات مرتبط با آن و نیز آسیب‌های طلاق عنوان کرد. علی‌اکبر محزون در این جلسه با بیان این‌که امسال حدود ۷۵۰ هزار ازدواج ثبت‌شده اما این رقم نسبت به سال گذشته دارای رشد منفی است، گفت: نرخ طلاق در استان‌های مختلف کشور نیز نسبت به سال‌های گذشته افزایش داشته است که این مسئله علل مختلفی اقتصادی، فرهنگی، آموزشی و اجتماعی دارد. در سال‌های اخیر ثبت ازدواج با روند کاهشی روبه‌رو شده به طوری که از سال ۱۳۹۰ تا به‌ارشد منفی ۱۹ درصد و پس از آن در سال ۱۳۹۱ با رشد منفی ۵/۱ درصد و در سال ۱۳۹۲ منفی ۶/۷ درصد که در ۹ ماهه سال جاری (۱۳۹۳) به منفی ۷/۲ درصد نسبت به مدت مشابه سال قبل رسیده است.

بر اساس گزارش سایت سازمان ثبت‌احوال، وی تصریح کرد: آمار ثبت طلاق نیز در سال‌های اخیر با نوساناتی دارای رشد صعودی بوده به طوری که از سال ۱۳۹۰ تا به‌ارشد ۴/۱ درصد، سال ۱۳۹۱ با رشد ۵/۲ درصد، در سال ۱۳۹۲ با رشد ۳/۴ درصد و در ۹ ماهه سال جاری با رشد ۸/۲ درصدی نسبت به مدت مشابه سال قبل مواجه بوده است.

پیش از این دکتر همایون هاشمی، رئیس سازمان بهزیستی از اختصاص ۲۰ میلیارد تومان اعتبار برای پیشگیری و کاهش طلاق در سال ۹۴ خبر داد و گفت: طلاق عاطفی نسبت به سال گذشته در کشور افزایش یافته است. بر اساس اطلاعات به‌دست آمده و مقایسه آمارهای طلاق در سال‌های گذشته مشخص شده که طلاق در میان خانواده‌ها افزایش داشته است. بر همین اساس سازمان بهزیستی طرح جامع «شیر» را برای کاهش طلاق و توانمندسازی خانواده‌ها در سراسر کشور اجرا می‌کند و بودجه خوبی را نیز برای آن در نظر گرفته است. در سال ۹۱ میزان طلاق ۱۵۰ هزار و ۳۳۴ مورد



اعلام شده که این آمار در سال ۹۲ با رشد ۱۳/۲ درصدی به ۱۵۵ هزار و ۳۳۹ مورد افزایش یافته و این نشان‌دهنده

افزایش طلاق در کشور است. می‌دانیم که ۱۰ دلیل عمده عدم مسئولیت‌پذیری،

طلاق عاطفی، اعتیاد، دخالت اطرافیان، کمبود مهارت‌های زندگی، بیکاری، عدم تسلط به مهارت‌های حل‌مساله، عدم حمایت‌های روانی و عاطفی، پایین بودن آستانه تحمل و همچنین عدم بلوغ فکری از جمله دلایل مهم در خواست طلاق هستند. باید دید این ۲۰ میلیارد تومان اعتبار برای پیشگیری و کاهش طلاق به داد خانواده‌ها می‌رسد؟ با توجه به این‌که بیشترین دلیل در خواست طلاق، عدم مسئولیت‌پذیری با ۹/۴۹ درصد است و طلاق عاطفی ۹/۴ درصد اعلام شده که نشان‌دهنده افزایش آمار آن در کشور است، نمی‌شود قضاوت کرد که طرح بشیر تا چه حد موفق بوده اما این روزها شاهد آغاز بی‌سر و صدای مرحله دوم آن هستیم. امیدواریم که گزارش کار مرحله اول را مسئولان مربوطه ارزیابی دهند. اما مرحله دوم این طرح که احتمالاً بودجه سال آینده را می‌بلعد چیست و آیا نجات‌دهنده خواهد بود؟

همایون هاشمی در حاشیه انعقاد تفاهنامه بهزیستی و قوه قضائیه در ساماندهی مراکز مشاوره، گفته بود: تحکیم خانواده با آموزش‌های میدانی پیش از ازدواج، زندگی پس از طلاق، فرزندان و سایر آسیب‌ها در فصل مشترک بین دو دستگاه انجام می‌شود. رئیس سازمان بهزیستی از پایان فاز اول طرح بشیر خبر داد و گفت: در این طرح با ایجاد ۱۳۰ مرکز مشاوره و ۸۵۰ کلینیک مشاوره، توانسته‌ایم سهم مهمی در مشاوره پیش از ازدواج ایفا کنیم. همچنین فاز دوم این طرح به‌زودی اجرایی می‌شود.

اما آیا پاسخ‌ها به ۱۰ دلیل عمده طلاق، آیا مشکل را فقط در نبود مراکز مشاوره و کلینیک مشاوره دانست؟ شاید وظیفه بهزیستی و قوه قضائیه این‌گونه ایجاد می‌کنند شاید بنامت بخش‌های دیگر را نهادها و وزارتخانه‌های دیگر پوشش دهند. اما آیا ما شاهد تقسیم کار روشنی در این راستا هستیم؟ این تقسیم‌کار، کی و چگونه صورت پذیرفته است؟ گزارش کار نهایی را چه کسی باید بدهد؟

دختر سبز به جای دختر پلاستیکی

محصولات دست‌دوم خریداری کرد و تمام وسایل شخصی و مواد نظافتی‌اش را خودش تولید می‌کرد. در ضمن کم‌کم تمام لباس‌های اضافه و وسایلی را که نیاز نداشت، فروخت یا بخشید. اما از همه مهم‌تر، او شروع به برنامه‌ریزی کرد تا بتواند از موقعیت‌های مختلف «زبان‌ساز» بهره‌مند شود. در داخل لیوان نوشیدنی؟ نه مشکرم. کیسه پلاستیکی در فروشگاه‌ها؟ نه مشکرم. رسیدهای خرید؟ نه مشکرم. این تحولات حدود یکسال طول کشید و زحمات زیادی لازم داشت. سخت‌ترین قسمت آن، این بود و زندگی خود را زیر ذره‌بین قرار داد تا بتواند ارزش‌هایش را با رفتارهای هم‌هنگم‌تر کند. به تدریج که او تغییرات را می‌پذیرفت، کارها آسان‌تر و لذت‌بخش‌تر می‌شدند. لاورن امروز به زندگی «بدون زباله» دست یافته است. به گفته خودش: «من بیشتر از قبل پس‌انداز می‌کنم. چرا که دیگر چیزهای گرانبهاتر به‌درد نخور نمی‌خرم. همیشه از قبل می‌دانم چه چیزی قرار است بخرم و فهرست خرید تهیه می‌کنم. در ضمن

مواد غذایی را به‌صورت عمده خریداری می‌کنم، در نتیجه پول اضافه برای بسته‌بندی نمی‌پردازم. لباس نو نمی‌خرم و لباس‌هایم را با قیمت‌های خیلی پایین‌تر به‌صورت دست‌دوم تهیه می‌کنم. من غذای سالم‌تر و بهتری می‌خورم. چون غذاهای بسته‌بندی‌شده نمی‌خورم. انتخاب‌های سالم من محدود هستند. در عوض من، مقدار زیادی میوه و سبزیجات را گلچین، غله سبوس‌دار و مواد غذایی محلی می‌خورم. بازارهای محلی کشاورزان محصولات بدون بسته‌بندی عالی‌ای را می‌کنند. من خوشحال‌تر از قبل هستم. قبل از این که شیوه زندگی‌ام را به «زبان سبز» تغییر دهم، نامنظم بودم و گاه و بیگاه بی‌خیال خالی بود یا باید آخر وقت در سوپرمارکت‌ها دنبال آذوقه می‌گشتم. اما الان روزهای هفته من فرق می‌کند. فقط یک‌بار در هفته به فروشگاه می‌روم و همه آنچه‌ی می‌خواهم را خریداری می‌کنم. این یک‌بار خرید هفتگی فقط هر بوط به غذایست بلکه محصولات بهداشتی

آیا می‌توان در زندگی روزمره بدون تولید زباله زندگی کرد؟ «لورن سینیگر»، ۲۳ ساله، دو سال است که بدون تولید زباله زندگی می‌کند. او سعی کرده زباله‌ها را زندگی روزمره‌اش حذف کند. از خانه او هیچ‌سطل زباله‌ای خارج نمی‌شود. استراتژی‌هایی که او برای حذف زباله به‌کار گرفته پیچیده نیستند و کارهایی هستند که بیشتر ما امکان انجام آنها را داریم. لاورن از امتیاز می‌کند، اراده او برای تغییر نظم و پشتکار اوست. او که در دانشگاه نیویورک، رشته محیط‌زیست خوانده و خود را یک فعال محیط‌زیست می‌داند، حدود ۱۳ سال پیش متوجه یک چالش بزرگ در زندگی‌اش شد: روزی او به محتوای بی‌خیال خانه‌اش نگاه کرد و متوجه شد همه مواد غذایی داخل یخچال در بسته‌بندی‌های یکبار مصرف و عمدتاً پلاستیکی قرار گرفته‌اند. او متوجه تناقض عظیمی که بین زندگی روزمره او زمان‌هایش به‌عنوان یک «سبز» وجود داشت، شد.



او خطاب به خودش گفت: «توی یک راکار هستی! اما او می‌خواست یک «ختر سبز» باشد، نه یک «ختر پلاستیکی». به بنابر این اولین تصمیمی که گرفت این بود: «پلاستیک باید به‌کلی از زندگی‌ام حذف شود». حذف پلاستیک به این معنا بود که او می‌بایست یاد می‌گرفت همه بسته‌بندی‌های پلاستیکی مورد نیازش را خودش با مواد جایگزین بسازد. بسته‌بندی‌ها زیاد بودند. از نیویورک خریدارند. در این مسیر یواگ «خانه بدون زباله» آشنا شد که تجربیات یک خانواده ۴ نفره که در کالیفرنیا «بدون تولید زباله» زندگی می‌کنند را شرح می‌داد. لاورن با دنبال کردن این تجربیات، به تدریج موفق شد اغلب پلاستیک‌ها را از زندگی‌اش حذف کند. اما بعد از حذف پلاستیک به خود گفت: اگر یک خانواده ۴ نفره می‌توانند «زبان سبز» زندگی کنند، من که یک جوان ۲۱ ساله هستم هم می‌توانم. اما لاورن چطور؟ «پلاستیک صفر» به «زبان سبز» رسید؟ مرحله بعدی، توقف کامل خرید محصولات بسته‌بندی شده بود. او سبد خرید و ظرف‌های خودش را به فروشگاه‌ها می‌برد و مواد غذایی باز و بدون بسته‌بندی تهیه می‌کرد و ظروف شیشه‌ای جامی‌داد. به‌زودی کابینت‌های خانه او پر از ظروف شیشه‌ای شد. او خرید لباس‌های نو را متوقف و فقط

مدیر کل در زمان تأمین اجتماعی استان تهران گفته است: استفاده از ویتامین D و روی در پیشگیری از انواع سرطان‌ها موثر است و با توجه به این نکته که ۶۰ درصد مردم در کشور ما دچار کمبود ویتامین D هستند، انجام برنامه‌ریزی‌های دقیق برای جبران این مسئله امری ضروری است. استفاده از ریز مغذی‌ها، ویتامین D و روی در پیشگیری از انواع سرطان‌ها موثر است و با توجه به این نکته که ۶۰ درصد مردم در کشور ما دچار کمبود ویتامین D هستند، انجام برنامه‌ریزی‌های دقیق برای جبران این مسئله امری ضروری است.

بر اساس سایر گزارش‌ها، شیوع کمبود ویتامین D به‌خصوص در زنان و کودکان ایرانی بین ۵۰ تا ۸۰ درصد است. از عوارض مصرف کم این ویتامین در دوران کودکی، بیماری راشیتیزم است که به‌علت کمبود کلسیم و فسفر در زمان رشد استخوان‌ها، استخوان‌های فرد دارای املاح کمی خواهد بود و نخواهد توانست وزن فرد را تحمل کند و در نتیجه احنا خواهد یافت. عوارض دیگر آن، بزرگی جمجمه، زانده‌های دگمه‌مانند روی ستون فقرات و برجستگی سینه است. همچنین می‌تواند باعث پهنی می‌شود که در دوران بارداری قابل تشخیص است.

بیماری

مدیر کل در زمان تأمین اجتماعی استان تهران گفته است: استفاده از ویتامین D و روی در پیشگیری از انواع سرطان‌ها موثر است و با توجه به این نکته که ۶۰ درصد مردم در کشور ما دچار کمبود ویتامین D هستند، انجام برنامه‌ریزی‌های دقیق برای جبران این مسئله امری ضروری است. استفاده از ریز مغذی‌ها، ویتامین D و روی در پیشگیری از انواع سرطان‌ها موثر است و با توجه به این نکته که ۶۰ درصد مردم در کشور ما دچار کمبود ویتامین D هستند، انجام برنامه‌ریزی‌های دقیق برای جبران این مسئله امری ضروری است.

کمبود ویتامین D و ضرورت فرهنگ‌سازی مصرف شیر در مدارس

با توجه به وجود آلودگی‌های استخوانی در بدن انسان، این بیماری به این شکل است که با کاهش تراکم استخوانی، دردهای شدیدی در قسمت پا و کمر احساس می‌شود و همچنین استخوان‌های بلند پیرامونی شکسته می‌شوند. اگر فردی در این دوران شروع به دریافت ویتامین D کند، این عارضه رفع می‌شود.

در دوران کهنسالی، کمبود این ویتامین باعث بروز بیماری پوکی‌استخوان به‌ویژه در زنان می‌شود. عامل اصلی تأثیرگذار تغییرات هورمونی در بدن است. اما در این دوران این بیماری میزان ویتامین D در بدن کاهش می‌یابد اما دریافت این ویتامین در دوران بیماری کمک چندانی به بهبود آن نمی‌کند، بلکه برای پیشگیری از این بیماری باید از دوران جوانی، کلسیم و فسفر همراه با ویتامین D مصرف شود. کمبود این ویتامین در بدن باعث عوارضی چون دیرندان در افراد و دیر نشستن و دیر راه افتادن در کودکان، همچنین نافرمان شدن لگن (این بیماری در کودکان دبستانی کمبود ویتامین D دارند و تا ۹۰ درصد در حالت مختلفی از کمبود ویتامین D وجود دارد. کودکان باید حداقل روزی ۲ لیوان شیر مصرف کنند البته افراد کم‌درآمد در خرید شیر با قیمت‌های بالا دچار مشکل هستند. تصمیم‌گیرندگان باید شیر را با هزینه کمتر به مردم ارائه دهند. شیر در کشور به اندازه کافی تولید می‌شود و بر اساس آمارهای موجود، امکان پوشش تمام مردم وجود دارد و سیاست‌گذاران مادر توزیع مناسب آن باید دخالت داشته باشند.

بسیاری از کودکان تمایلی به مصرف شیر ندارند و باید آنها را وادار به مصرف شیر کرد. راه‌های تبلیغاتی ما برای مصرف شیر کم است و روش‌های کمی را به کار گرفته‌ایم و از رسانه‌ها و طرق مختلف فرهنگی می‌توان برای فرهنگ‌سازی استفاده کرد. فرهنگ‌سازی برای قشر کودکان و نوجوانان متغیر است و سیاست‌گذاران، فرهنگ‌سازی را باید گسترش دهند؛ شیری که در مدارس توزیع می‌شود، کیفیت مناسبی ندارد و باید با تغییراتی در فرمولاسیون، کیفیت را بالا بیاوریم. همچنین باید به‌ویژه در مدارس، آموزش و پرورش تفاهم‌هایی داشته‌ایم که شیری که به دانش آموزان در مدارس داده می‌شود، غنی‌سازی شده که علاوه بر درشت‌مغذی‌ها، ریزمغذی‌ها را دریافت کنند.

عکس نگاری مشارکتی

شما خواننده گرامی می‌توانید بر اساس عکس چاپ شده در این بخش و بر مبنای اطلاعات مندرج روی عکس، هر گونه توضیح، ترجمه و خاطره‌های را برای ما ارسال کنید. ماه دی‌گر در همین روز و با همین شماره، این عکس مجدداً منتشر و مطالب رسالی مشابه همراه آن چاپ خواهد شد. ایمیل: khanevadeh.shahrvand@gmail.com



هر کودکی به خانواده احتیاج دارد

نگاه ویژه

اسیدپاشی؛ واکنش‌ها و راهکارها:

راه حل اسیدپاشی‌های سازمان یافته و واکنش شدید اجتماعی است

چرا یکبار اسیدپاشی تبدیل به یک مسأله اجتماعی می‌شود، عنوان داشت: در همراه سال جاری چندین مورد اسیدپاشی اتفاق افتاد که مسأله روز جامعه شد. اگر جامعه ما کمی عقب‌مانده‌تر سنتی‌تر بود، این اتفاق مسأله روز نمی‌شد، اما اتفاقی که در همراه افتاد به این دلیل بود که عده‌ای در این تصور بودند که این زنان باید مجدداً به نقش‌های سنتی خودشان برگردند، اما جامعه این مسأله را نپذیرفت و در مقابل آن مقاومت کرد. ۳-۲ سال است که این بحث که زنان به نقش‌های پیشین برگردند را با تفکیک جنسیتی در دانشگاه‌ها و... در جامعه کلید زد. علاوه بر تفکیک جنسیتی مسائل دیگری با عنوان خانواده مطرح شد. به این ترتیب که طلاق در حال افزایش است و سن ازدواج بالا رفته و میزان مولد کاهش پیدا کرده و به همین دلیل ما باید مجدداً به نقش‌های گذشته برگردیم.

این در حالی است که زنان با سرعت به سمت رشد، تحصیلات، کار و حضور اجتماعی می‌آیند، اما ممکن است بسیاری از افراد، علاقه‌مند به این تحولات نباشند. در واقع، این افراد می‌خواهند مجدداً شرایط پیشین خود اسیدپاشی را باز تولید کنند که در این‌جا این دو جریان با هم مواجه می‌شوند. در نتیجه، جنس این اسیدپاشی با اسیدپاشی‌های قبلی متفاوت است.

در این جلسه برخی شرکت‌کنندگان بر گسترش حیطه بررسی موضوع اسیدپاشی تأکید کردند. در همین راستا اقدامات فرهنگی و تربیتی مورد تأکید قرار گرفت.

اساس این دیدگاه باید به این امر توجه کرد که فرد اسیدپاش نیز خود معلول شرایط خاص اجتماعی بوده است. به اعتقاد دکتر معیدفر در اسیدپاشی اول، خود اسیدپاش را هم قربانی می‌بینم. قطعاً او مجرم است و باید مجازات شود، اما اگر همه نقطه اتکالی خود را بر او قرار دهیم، مشکل حل نمی‌شود. باید مجموعه مناطقی که این جرم در آن‌جا اتفاق می‌افتد را بررسی کنیم و در آن‌جا باید اقدامات فرهنگی و تربیتی بیشتر شود تا این مسأله ریشه‌کن شود. گاهی پدر یا برادر یک دختر روی او اسید می‌پاشند و این نشان می‌دهد سنت‌های بسیار زشتی در آن منطقه وجود دارد که آن پدر یا برادر را معطوف می‌کند که این کار را انجام دهد. اما در مورد نوع دومی که باعث شد اسیدپاشی مسأله اجتماعی شود، معتمد یک جرم سازمان یافته اتفاق افتاده که هنوز مجرم آن شناسایی نشده‌اند. در این‌جا راه‌حل، واکنش اجتماعی شدید است. در این نوع از اسیدپاشی، بافاصله مردم حساسیت نشان دادند و کار به‌جایی رسید که گفتند اگر کسی ادامه دهد، جرمش از اسیدپاش بیشتر است. مسأله اجتماعی چیزی است که عزم عمومی در جامعه را برانگیزد تا جلوی وقوع آن گرفته شود، اما جلوی چنین حساسیتی گرفته می‌شود. اگر این واکنش از سوی مردم نبود، اتفاق اسیدپاشی در مناطق دیگر هم صورت می‌گرفت. اگر باز هم حساسیت از خودمان نشان ندهیم، ممکن است دوباره این قضیه اتفاق بیفتد.

معیدفر در خاتمه گفت: در این‌جا باید کمپین‌های حمایت از قربانیان اسیدپاشی افزایش پیدا کنند و به‌جای این‌که بر مقصر متمرکز شویم، روی قربانیان تمرکز کنیم و حمایت‌های لازم را از آنها به‌عمل آوریم. اگر قربانی را تبرئه کنیم و کمپین برای کشتن هرچه جلوتر می‌رویم، باید اشکال مختلف این خشونت را کمتر داشته باشیم.

دکتر سپیده امیدواری؛ روان‌پزشک، هیأت علمی دانشکده علوم بهداشتی جهاد دانشگاهی، دکتر محمود شهایی؛ جامعه‌شناس و محقق مطالعات فرهنگی دانشگاه علامه طباطبایی، دکتر سعید معیدفر؛ جامعه‌شناس و دانشیار گروه جامعه‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران و دکتر محمد فرج‌ها؛ استادیار گروه کبفیری و جرم‌شناسی دانشکده حقوق دانشگاه تربیت مدرس، افرادی هستند که در نشست «اسیدپاشی؛ واکنش‌ها و راهکارها» در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران حضور داشتند. نظر به اهمیت مطالب علمی و روزهای آینده بخش‌هایی از این سمینار را منتشر می‌کنیم.

دکتر معیدفر ضمن بیان این مطلب که باید اسیدپاشی را محصول جامعه و ساختارهایی بدانیم که در این جامعه عامل اسیدپاشی هم خود قربانی است، اظهار داشت: این‌که تنها روی این مسأله تأکید کنیم که اشد مجازات باید برای مجرم در نظر گرفته شود، نشان می‌دهد روندها و ساختارهایی که باعث می‌شود فرد دست به چنین کاری بزند را درست نشناختیم. باید بررسی کنیم که چه کسانی اسید می‌پاشند. کسی که دارای اعتقادی صحیحی در جامعه او وجود داشته باشد، ذرات انجام چنین کاری را ندارد. جرم علیه زنان بیشتر در مناطق و توسط افرادی صورت می‌گیرد که دچار فقر فرهنگی هستند و نوع تلقی نسبت به زنان، در پوششی از ابهام یا با سنت‌های نادرست قرار دارد. ما باید ریشه‌ها و بسترهای این اتفاق را شناسایی کنیم.

باورهای نادرست در مورد نقش زنان یکی از عوامل عمده در ارتکاب جنایت اسیدپاشی است. زنانی که بر اساس قوانین کشور شرایط مناسبی برای آموزش و ارتقای آنها فراهم شده است. دکتر معیدفر در این زمینه گفت: در ایران اولین‌بار در اوایل دهه قرن حاضر این اتفاق افتاده است. ظاهراً اسیدپاشی محصول جامعه‌ای است که از دورانی حرکت کرده و وارد دوران تازه‌ای می‌شود و چالش‌های گذار از آن دوران، تأثیر فراوانی بر بروز چنین اتفاقی داشته است. تا پیش از وقوع اولین اسیدپاشی، در جامعه ما زنان اساساً حضور نداشتند. در آن دوره زنان جزو مایملک خانه به حساب می‌آمدند و نقش شهروند در چه چندم انجام می‌داد. برای صرف زندگی سنتی خودشان را بازی می‌کردند و نقش‌های سنتی خودشان را در خانه پذیرفته بودند. حتی گاهی اوقات دختر ۱۲ ساله‌ای به ازدواج مرد ۷۰ ساله‌ای می‌آمده و اتفاقی نمی‌افتاد. در جامعه‌ای که ذهنیت زنان این است که زندگی مقدری دارم و باید آن را بپذیرم، اسیدپاشی اتفاق نمی‌افتد. اسیدپاشی محصول دورانی است که به تدریج سطح آگاهی در جامعه بالا می‌رود و زنان از خانه بیرون می‌آیند و تحصیل می‌کنند و نقش‌های اجتماعی دارند.

این حضور با باورهای پیشین و احساس تمکک و انتظارات پیشینی که می‌خواهد باقی بماند، در تعارض قرار می‌گیرد. در برخی مناطق کشور این موضوع متغی شده است؛ چون افراد سطح آگاهی‌هایشان را با زمان خود تطبیق می‌دهند؛ نقش‌های جدید زنان را می‌پذیرند، اما همچنان مناطقی وجود دارد که این مشکل را دارند تا به تدریج امواج رشد و توسعه به آن مناطق هم برسد و این شهروند در چه دوم بودن زنان در دوزخ‌ترین نقاط کشور هم از بین نبرد. هرچه جلوتر می‌رویم، باید اشکال مختلف این خشونت را کمتر داشته باشیم.

این جامعه‌شناس با طرح این سوال که اسیدپاشی؛ واکنش‌ها و راهکارها: راه حل اسیدپاشی‌های سازمان یافته و واکنش شدید اجتماعی است. چرا یکبار اسیدپاشی تبدیل به یک مسأله اجتماعی می‌شود، عنوان داشت: در همراه سال جاری چندین مورد اسیدپاشی اتفاق افتاد که مسأله روز جامعه شد. اگر جامعه ما کمی عقب‌مانده‌تر سنتی‌تر بود، این اتفاق مسأله روز نمی‌شد، اما اتفاقی که در همراه افتاد به این دلیل بود که عده‌ای در این تصور بودند که این زنان باید مجدداً به نقش‌های سنتی خودشان برگردند، اما جامعه این مسأله را نپذیرفت و در مقابل آن مقاومت کرد. ۳-۲ سال است که این بحث که زنان به نقش‌های پیشین برگردند را با تفکیک جنسیتی در دانشگاه‌ها و... در جامعه کلید زد. علاوه بر تفکیک جنسیتی مسائل دیگری با عنوان خانواده مطرح شد. به این ترتیب که طلاق در حال افزایش است و سن ازدواج بالا رفته و میزان مولد کاهش پیدا کرده و به همین دلیل ما باید مجدداً به نقش‌های گذشته برگردیم.

این در حالی است که زنان با سرعت به سمت رشد، تحصیلات، کار و حضور اجتماعی می‌آیند، اما ممکن است بسیاری از افراد، علاقه‌مند به این تحولات نباشند. در واقع، این افراد می‌خواهند مجدداً شرایط پیشین خود اسیدپاشی را باز تولید کنند که در این‌جا این دو جریان با هم مواجه می‌شوند. در نتیجه، جنس این اسیدپاشی با اسیدپاشی‌های قبلی متفاوت است.